

چکیده

موضوع مورد بررسی در این پژوهش "باران در اندیشه ی اسلامی" است که به بررسی جایگاه باران در آموزه های دینی می پردازد. آب یکی از بخش های زیر بنایی و اساسی هر کشوری می باشد که می تواند باعث رشد بخش های مختلف اقتصادی گردد. توفیق در تولید غذا، تنها در سایه ی لطف الهی و نزول برکات آسمانی از جمله باران است که شرایط اولیه را برای رشد و نمو گیاهان و در نتیجه سایر جانداران به وجود می آورد. زیبایی و سرسبزی طبیعت، همه به یمن باران است. بدین منظور در این پژوهش علاوه بر بررسی مطالب علمی پیرامون این پدیده جوئی، به جایگاه باران در آیات و روایات اشاره شده است.

به دیگر سخن، این مقاله نشان می دهد اگر با نظر و جهان بینی الهی و با توجه به آموزه های دینی به نزولات آسمانی بپردازیم، علاوه بر این که منجر به سعادت دنیوی و بهره وری مادی خواهد شد، تعالی روحی و معنوی افراد بشر را نیز به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: باران، آموزه های دینی، عوامل و موانع بارش باران، آثار استفاده از باران،

۱. دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها - طلبه سطح ۳ جامعه الزهرا سلام الله علیها (نویسنده مسئول)

۲. استاد راهنما، استاد حوزه علمیه

طرح بحث

باران نشانی از رحمت الهی است، خداوند با نزول این برکت آسمانی حیات مادی و معنوی را برای انسان ها به ارمغان می آورد.

دین اسلام، دینی جامع برای ابعاد مختلف زندگی انسان است به همین جهت به تبیین رابطه هدفمند انسان و طبیعت؛ پرداخته و انسان ها را به شیوه های صحیح بهره وری از نعمات الهی و توسعه و آبادانی ترغیب کرده است. در همین راستا در ابتدای امر با دید طبیعت شناسانه، به معرفی منابع طبیعی از جمله باران پرداخته شده است.

لکن تنها به این سطح بسنده نکرده و نگاه انسان را به افقی بالاتر معطوف داشته اند، در آیات و روایات علاوه بر معرفی علمی و عنصری منابع با نگاهی الهی به تبیین رابطه انسان و پدیده های طبیعی از جمله انسان پرداخته شده است. در نظر داشتن علت فاعلی حوادث، علت غایی بهره مندی از نعمات الهی، چگونگی تاثیر عملکرد انسان بر بهره وری از این قبیل موارد می باشد.

در تبیین رابطه دو سویه انسان و پدیده های آسمانی، در آموزه های دینی بسیاری از اعمال و رفتار انسان ها در میزان بهره وری از نعمات الهی موثر دانسته شده است.

بنابر مضامین اسلامی چنان چه جامعه انسانی به سمت گناه و غفلت از یاد خدا و ناسپاسی و کفران نعمت روی آورد، لاجرم از نزولات آسمانی محروم خواهد شد و در مقابل اگر انسان به زندگی خود جهت الهی داده و به نیت بندگی و طاعت الهی به استفاده صحیح از نعمات طبیعی بپردازد، علاوه بر بهره مندی از مواهب مادی، آثار و برکات معنوی بسیاری نیز شامل حال او خواهد شد.

استفاده و بهره وری از نعمات الهی با توجه به آن چه در آموزه های دینی آمده فرصت بهره وری همه جانبه را برای انسان ها فراهم می کند. اما متأسفانه جامعه کنونی به سبب غفلت از آداب و

شرایط اسلامی نه تنها از برکات معنوی بلکه از مواهب مادی نیز محروم گشته اند.



لذا این پژوهش بر آن است تا ابعاد مختلف باران، این مائده آسمانی را در آئینه قرآن و روایات بررسی نموده تا جامعه حیات مادی و معنوی خود در این مساله را با فرهنگ قرآنی سمت و سو داده و با تکیه بر روایات، زندگی خود را در پرتوی سخنان اهل بیت(علیهم السلام) سامان بخشد.

بر این اساس این پژوهش در چهار بخش تدوین شده است؛

ابتدا به مفهوم شناسی باران پرداخته است که مشتمل بر دو بخش تعاریف واژه‌های هم معنای باران و بررسی باران در علم تجربی است. در ادامه باران در آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است و آثار باران در اندیشه اسلامی تبیین شده است.

در انتها عوامل و موانع بهره‌وری از باران توضیح داده شده است.

۱. تعاریف واژه‌های به کار رفته در معنای باران

در نگاه ابتدایی، واژه باران نیاز به مفهوم شناسی و تدقیق در معنای لغوی و اصطلاحی ندارد اما بدان جهت که مفهوم باران، در آیات و روایات با واژه‌های مختلفی به کار رفته است و دارای معانی متفاوتی می‌باشد که در تبیین بحث محل اثر است، به اختصار به تعریف لغوی و اصطلاحی این واژه‌ها می‌پردازیم.

۱-۱. باران

باران، ترجمه‌ی مطر و با لفظ باریدن و دادن و زدن و گرفتن و خوردن و استادن و چکیدن و گذشتن مستعمل است. قطره‌های آبی که از ابر بر روی زمین می‌ریزد و سبب حصول آن تبخیر بخار آبی است که ابر از آن حاصل شده و بادهایی که از روی دریا می‌وزد، چون مقدار زیادی بخار آب با خود دارند موجب باران می‌شوند و آب باران جهت آشامیدن بسیار نیکوست و صابون به خوبی در آن کف می‌کند و برای آشامیدن این آب را نیز با صافی باید صاف کرد. قطره‌های آب که از ابر

فرو چکد را باران می‌گویند. (دهخدا/ بی تا: ۲۲۵)



باران: قطره های آبی که به صورت پیاپی از ابر می بارد، مجزاً ریزش فراوان و پیاپی چیزی. (معین / ۱۳۸۲: ج ۲ / ۱۲۸)

۲-۱. غیث

الغیث: باران، بارانی خاص همراه با خیر و برکت، فراوانی و نفع و بهره. (رک: الحسینی الواسطی الزبیدی الحنیفی / ۱۴۱۴: ج ۳ / ۲۴۴)

آیه: «وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا...» (شوری / ۲۸)؛ «او کسی است که باران سودمند را پس از آنکه مایوس شدند نازل می کند.» قول وی را تقویت می کند. یعنی خدا آن است که باران را پس از نومیدی مردم می آورد. نومیدی در وقت حاجت است.

«تَمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ» (یوسف / ۴۹)؛ «سپس سالی فرامی رسد که باران فراوان نصیب مردم می شود.»

یغاث ممکن است از غوث یا غیث باشد. یعنی پس از آن سالی می آید که در آن مردم باران بیابند یا به وسیله ی باران و نعمت خداوند یاری کرده شوند. (رک: قرشی / ۱۳۶۷: ج ۴ / ۱۳۷-۱۳۸)

راغب اصفهانی نیز غیث را به معنای باران دانسته است.

غوث، غیث: به معنای باران است. استغثته: طلب باران کردم. (راغب اصفهانی / ۱۴۱۲: ج ۲ / ۷۲۵: ابن منظور / ۱۴۰۵: ج ۱ / ۴۶۱)

۳-۱. سحاب

سحاب: ابرها در حقیقت هوای مرطوبند که از سطح دریاها و اقیانوس ها در اثر حرارت خورشید تبخیر شده و در هوا متکاثف گردیده، به وسیله بادهای به طرف خشکی ها روی می آورند و مانند دریایی بال دار، در آسمان شناورند و حامل رحمت پروردگار می باشند. این کلمه مجموعاً نه مرتبه در قرآن مجید آمده و پیوسته به لفظ «سحاب» است. باد را در نقل و انتقال ابرها نقش عمده ای



است، لذا قرآن بادها را بشارت دهنده ی باران نام می برد. (قرشی / / ۱۳۶۷: ج ۳، ص ۲۳۶)

«وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَمَسْقُتُهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ

النُّشُورِ» (فاطر / ۹)

«خداوند کسی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده ای راندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می کنیم رستاخیز نیز همین گونه است!»

سحب: در اصل دلالت می کند بر شیئی که بسط داده و کشیده شده است و به ابر هم به همین دلیل سحب می گویند چرا که در هوا بسط و کشیده شده است.

سحاب: ابر است چه در آن باران و آب باشد یا نباشد. (مصطفوی / ۱۳۶۰: ج ۵ / ۶۲ و ۶۳: همان /

۱۴۰۵: ج ۱، ص ۴۶۱)

۴-۱. مطر

مطر: (بر وزن فرس)، باران. در قاموس گفته: المطر: ماء السحاب. در مفردات گفته: الماء المنكسب. ناگفته نماند در قرآن کریم فقط در یک محل مطر به معنی باران معمولی آمده:

« وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا

فَلْيُكُونُوا مِنْ رَوَائِكُمْ وَآتَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَٰ

الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ

كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ

عَذَابًا مُهِينًا» (نساء / ۱۰۲)

«و هنگامی که در میان آنها باشی و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته ای از



آنها با تو (به نماز) برخیزند و سلاحهایشان را با خود بگیرند و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشت سر شما (به میدان نبرد) بروند و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول پیکار بوده‌اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح) هستید، مانعی ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده‌ای برای کافران فراهم ساخته است.»

بقیه همه در باریدن سنگ عذاب و فعل آن همه از باب افعال است.

ممطر: باران دهنده

« فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ » (احقاف / ۲۴)

«هنگامی که آن (عذاب الهی) را بصورت ابر گسترده‌ای دیدند که بسوی دره‌ها و آبگیرهای آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «این ابری است که بر ما می‌بارد!» (ولی به آنها گفته شد: این همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می‌کردید، تندبادی است (وحشتناک) که عذاب دردناکی در آن است!»

گفتند: این ابر ظاهری است که به ما باران دهنده است. در این آیه «امطر» در باران معمولی و باران رحمت به کار رفته است. (قرشی / ۱۳۶۷: ج ۶ / ۲۶۱)

اصل در این ماده: مطر است به لحاظ نزولش که دو قید دارد: یکی موضوع باران و دومی نزول پی در پی آن از آسمان. بین واژه های غیث، ماء و مطر تفاوت است. در غیث به جهت فرو ریختن و مدرسانی باران توجه می‌شود. در ماء جهت حیات بخشی آن مورد توجه است. غیث و ماء در مورد



آبی که از ابر نازل می‌شوند استعمال می‌شود.

و در مطر، جهت نزول آن مد نظر است، پس نزول جزئی از مفهوم مطر است. هم چنین مطر، اختصاص به آب و بارانی که از ابر نازل می‌شود ندارد بلکه به هر شیئی که به طور متوالی از آسمان فرود آید مطر گویند مانند باران و یا حتی سنگ، در نتیجه مطر در مورد نزول غیر باران هم استعمال می‌شود: (همان)

« وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ » (حجر / ۷۴)

«و بارانی از سنگ بر آنها فرو ریختیم.»

۵-۱. صوب

در تاج العروس آمده است:

می‌گویند: صاب المطر صوباً، از آسمان باران بارید. و صوب همان مطر است و صاب همان نَزَل است و ابن هشام جایز دانسته است که الصَّوب هم به معنی نزول و هم به معنی مَطَر باشد.

(همان / ۱۴۱۴: ج ۲ / ۱۵۳ - ۱۵۴)

علی اکبر قرشی نیز آورده است:

الصوب: نزول، قصد. «صاب المطر انصباً و نزل»

صیب: باران و ابر « أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ. » (بقره/۱۹): «یا همچون بارانی از آسمان، که در شب

تاریک همراه با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذران) بیارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در

گوش های خود می گذارند تا صدای صاعقه را نشنوند و خداوند به کافران احاطه دارد و در قبضه

قدرت او هستند.»



یا مثل باران سختی از آسمان که در آن ظلمات هست. اصل آن صیوب است (به سکون یاء و کسر واو) و او به یاء قلب و در آن ادغام شده است، مثل سیّد و جید (مجمع). تند بودن آن از لفظ استفاده می شود و در مجموع آن را باران و در مفردات و اقرب، ابر مخصوص به بارش گفته است. مناسب آیه ی فوق ابر است. (قرشی / ۱۳۶۷: ج ۴ / ۱۵۸ - ۱۵۹)

صیّب: صابه و اصابه و صوب: برای ریزش باران هر وقت که به اندازه ای که سودمند باشد ببارد، به کار می رود و در آیه « وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ » (زخرف / ۱۱): «همان کسی که از آسمان آبی فرستاد بمقدار معین، و بوسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم همین گونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می سازند»

به اندازه ی باران اشاره کرده است. الصیّب: ابری که ویژه ی باران مفید و سودمند است، بر وزن فیعل از (صاب، یصوب) است. (راغب اصفهانی / ۱۴۱۲: ۴۲۶ و ۴۲۷؛ ابن منظور / ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۵۳۴)

۶-۱. وِبَل

راغب می گوید وبل و وابل بارانی است سنگین دانه و به مناسبت سنگینی به کاری که از ضررش ترسند گویند وابل. (همان / ۱۴۰۵: ج ۴ / ۲۲۴)

« وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (بقره / ۲۶۵): « و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و باران های درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است)، و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. مانند باغی که در بلندی واقع است، باران تندی

به آن رسیده و میوه اش را دو برابر داده است.»



و ابل سه بار در قرآن مجید ذکر شده است. یکی از این موارد آیه ذیل می باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَتَّبِعَتْنَا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبَوَّةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره / ۲۶۴-۲۶۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشانده شود) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد)، و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است). و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست.» (فؤاد أفرام / ۱۳۸۹: ۲۱۳۷)

اصل در این ماده این است که وبل، همراه با نوعی شدت است، چه مادی باشد و چه معنوی. هم چنین این واژه در لغت عربی و سریانی به معنای باران شدید است. (مصطفوی / ۱۳۶۰: ج ۱۳ / ۱۵؛

راغب اصفهانی / ۱۴۱۲: ۸۵۲)



۷-۱. طَلَّ

طَلَّ: الطَّلُّ: باران ضعیف یا خفیف ترین باران، در مُحکَم و صحاح هم همین طور آمده است. راغب می گوید: طَلَّ، بارانی است که اثر کمی دارد و یا این که طَلَّ باران نم نم و اندکی است که از آسمان می بارد که کم تر از مطر است. (الحنیفی / ۱۴۱۴: ج ۱۵، باب اللّام / ۴۳۸-۴۳۷ و ۴۴۱)

طَلَّ: باران خفیف، به قولی خفیف ترین باران، به قولی شبنم و به قولی بالاتر از شبنم و پایین تر از باران. (اقرب الموارد، راغب آن را اضعف المطر و طبرسی مطر صغار گفته است). مقابل آن وابل است به معنی باران شدید. «فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ» (بقره / ۲۶۵): (اگر باران نبارد دو برابر می شود) آیه در بیان نتیجه انفاق در راه خداست که حتماً نتیجه خواهد داد، کم باشد یا زیاد. این کلمه در کلام الله مجید فقط یک بار آمده است. (قرشی / ۱۳۶۷: ج ۴ / (ش-ع) ۲۳۵)

۸-۱. مَزَنَ

مزن: (بر وزن قفل) ابر، راغب ابر روشن گفته و در قاموس، ابر یا ابر سفید یا ابر آبدار آمده است و به یک قطعه از آن مزنه گویند. «أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمَزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ» (واقعه / ۶۹) «آیا شما آن را از ابر نازل کرده اید یا ما نازل می کنیم»

۹-۱. عَصَرَ

عصر: در آیه «وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا» (نبا / ۱۴): «و از ابرهای باران زا آبی فراوان نازل کردیم»

یعنی: ابرهایی پر باران و باران ریز که گفته شده ابرهایی است که به وسیله ی -اعصار- یعنی گردبادهای تند و غبارانگیز می آیند و می بارند.

اعتصار: فشرده شدن چیزی یا با آب یا به خودی خود. (راغب اصفهانی / ۱۴۱۲: ۶۰۶ و ۶۰۷)

معصرات: ابرهایی که در آن باران باشد.



ابواسحاق گفته است معصرات یعنی ابرها زیرا ابرها، آب باران را می فشارند.

گفته شده است که «اعصار» بادی است که ابرها را دارای رعد و برق می کند و بعضی گفته اند اعصار، چیزی است که در آن گرد و غبار شدید باشد.

زجاج گفته است: اعصار، بادهایی است که از زمین برخاسته، غبار ایجاد کرده و این غبار را مانند عمود و ستونی به آسمان بلند می کند. (ابن منظور/ ۱۴۰۵: ج ۴/ ۵۷۷ و ۵۷۸)

همان طور که گذشت مفهوم باران با توجه به شرایط بارش و ویژگی ها و اوصاف آن (باران خفیف، باران شدید، ابر باران زا و...) در زبان عرب با واژه های مختلفی به کار رفته است.

بنابر آن چه گذشت؛ در بیش از پنجاه آیه ی قرآن از معنا و مفهوم باران با الفاظ و واژه های گوناگون یاد شده است. این آیات را به اعتبار معنای واژه ای که بر باران دلالت دارد می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- در برگیرنده ی همه ی گونه های باران از سودمند و آرام و تند و زیان بار است.

۲- واژه هایی که بر گونه ای از باران دلالت می کند مانند غیث، ابل، صیب و...

۳- واژه هایی که به سبب وجود قرینه ای یا مناسبتی در معنا بر باران دلالت دارد؛ مانند ماء، رزق.

۲. باران در علوم تجربی

در این مبحث به نحو اختصار به چگونگی تشکیل باران، انواع بارش، تفاوت نزولات آسمانی و خشکسالی از دیدگاه علم تجربی می پردازیم:

۲-۱. حالات رطوبت در جو

در طبیعت هوای فاقد رطوبت وجود ندارد و حتی در مناطق خشک و بیابانی نیز مقادیری بخار آب

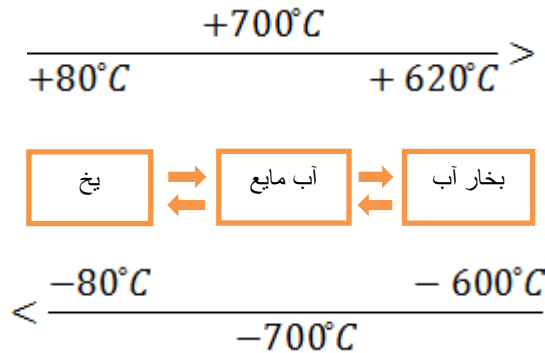
در هوا موجود است. رطوبت هوا روی دریاها، مناطق حاره استوایی حدود ۴٪ از وزن کل ترکیبات

جو را تشکیل می دهد. به طور کلی در شرایط معمولی میزان بخار آب در ماه های گرم از ۳/۱



درصد و در ماه های سرد از ۴/۰ درصد تجاوز نمی کند.

رطوبت جو می تواند حالات مختلف داشته باشد، مانند بخار آب، آب مایع، ذرات جامد آب (یخ) و پلاسما. برای تشکیل هر یک از حالات فوق دمای هوا، رطوبت و فشار هوا نقش اصلی را ایفا می نمایند و در تغییر حالات آن ها انرژی خورشید و امواج بلند زمینی دخالت می نماید. تبدیل هر گرم آب به بخار بدون تغییر دما نیاز به ۶۰۰ کالری انرژی و تغییر حالت یک گرم یخ صفر درجه سانتی گراد به آب بدون تغییر دما نیاز به ۸۰ کالری انرژی دارد. به طور کلی فرآیندهای ذوب، انجماد، تبخیر، میعان، تبرید و تصعید آب موجود در جو از طریق تبادل انرژی به صورت طبیعی انجام می گیرد. (بیرودیان، / ۱۳۸۲: ۱۴)



شکل: تبدیلات مختلف آب در جو و انرژی لازم

۲-۲. عامل های مؤثر در ایجاد بارش

بارش زمانی اتفاق می افتد که هوای مرطوب و عامل صعود، هر دو با هم در منطقه ای وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، هوای مرطوب باید تا ارتفاع معینی بالا رود تا بر اثر سرد شدن به نقطه اشباع برسد و در مرحله ی بعد، ابر بارش را پدید آورد. نبود هر یک از این دو عامل مانع وقوع بارش می شود.



صعود هوای مرطوب برای ایجاد بارش به عوامل متعددی نسبت داده شده است. بر اساس این عوامل صعود، بارش را به انواع جداگانه ای تقسیم کرده اند. متداول ترین این انواع عبارتند از: بارش جبهه ای، بارش همرفتی و بارش کوهستانی. بنابراین عامل های مؤثر در صعود عبارتند از: عامل چرخندگی، عامل همرفت و عامل ناهمواری. (کاویانی / علیجانی / ۱۳۸۲: ۲۳۹ - ۲۴۰)

وزش چرخندگی مثبت، باعث انبساط سطوح بالای اتمسفر و در نهایت صعود هوای نزدیک به سطح زمین می شود.

همرفت توده ی هوا در مقیاس های محلی و در نتیجه ی ناپایداری صورت می گیرد. وسعت مکانی عملکرد این عامل خیلی کوچک تر از عامل چرخندگی است، اما در صورت مساعد بودن شرایط، رگبارهایی شدید به وجود می آورد.

۳-۲. انواع بارش

از نظر کانون تشکیل، بارش را به چند دسته اصلی تقسیم می کنند:

(الف) بارش هایی که حاصل مستقیم ابرهای مختلفند و به آن ها بارش های ابری می گویند.

(ب) بارش هایی که از تراکم یا تصعید در سطح عوارض مختلف زمین به وجود می آیند و به بارش های غیر ابری موسومند.

(ج) بارش هایی که ابتدا از ابرها سرچشمه گرفته اند، اما در سطح زمین تغییر شکل داده و به صورت یخ کدر یا یخ شفاف در آمده اند. این پدیده ها را بارش ثانوی می گویند. (همان، ص ۲۶۰)

۴-۲. مکانیزم تشکیل ابر و بارش

شرط اصلی تشکیل بارش، فرآیند تراکم است. تبدیل بخار آب به حالت مایع را تراکم گویند. برای رسیدن به نقطه تراکم بایستی هوا از بخار اشباع شده باشد. در این شرایط رطوبت نسبی صد در صد بوده و در نتیجه قسمتی از بخار متراکم شده به صورت ذرات مایع و یا ذرات جامد یخ در

می آید. (حبیبی نوخندان / ۱۳۸۹: ۱۴)



۵-۲. بارندگی طبیعی

بخش اعظم آبی که در فرآیند تبخیر-تعرق شرکت دارد از بارندگی طبیعی اعم از برف یا باران تأمین می‌شود. غالباً بارندگی طبیعی پیش از آن که طی فرآیند تبخیر-تعرق از پروفیل خاک خارج گردد به صورت ذخیره شده در خاک در می‌آید. البته بارندگی طبیعی می‌تواند به صورت بخشی از آب یک سفره ی زیرزمینی نیز درآید. (همان / ۷۴)

۶-۲. بارندگی در فصل غیر رشد

حتی در مناطق با آب و هوایی سخت نظیر نواحی مرتفع کلرادو و وایومینگ، بارش برف و باران در فصل غیر رشد می‌تواند در ذخیره ی آبی که در فصل رشد مورد استفاده گیاه قرار می‌گیرد، نقش داشته باشد. هیچ روند واقعی برای برآورد میزان آب ذخیره شده از این طریق وجود ندارد. والتر و همکاران (۱۹۹۰) طی آزمایشاتی در دشتی مرتفع و خشک در کلرادوی مرکزی نشان دادند که طی فصل زمستان ذخیره ی آب در خاک در منطقه ی توسعه ی ریشه جهت استفاده گیاهان غیر فاریاب در طی فصل رشد آبی به میزان قابل ملاحظه ای وجود دارد. بالعکس تحت بسیاری از شرایط، آب خاک ممکن است در طی فصل زمستان از دست برود. از آن چه بدان خشکی زمستانه اطلاق می‌گردد، می‌تواند تا به حدی شدید باشد که باعث نابودی برخی گیاهان شود. (همان)

۷-۲. بارندگی در فصل رشد

نزولات جوی در فصل رشد که تأمین کننده ی فرآیند تبخیر-تعرق می‌باشند تقریباً همیشه به صورت باران است. بخشی از بارش که برای فرآیند ET به کار می‌رود به مفهومی به نام «باران مؤثر (effective rain, ER)» (ارتباط می‌یابد. (همان / ۷۴ - ۷۵)

۸-۲. منابع آب برای رشد گیاه

گیاهان نیاز به شرایط آب خاصی دارند ولی منشأ این آب می‌تواند منابع مختلف باشد. دو منبع اصلی



تأمین کننده ی این آب می تواند بارش طبیعی در محل رویش گیاهان یا یک بارندگی تمرکز یافته باشد که انتقال می یابد و به عنوان آب آبیاری مورد استفاده قرار می گیرد. آب آبیاری می تواند از آب خوان های زیرزمینی تأمین شود ولی نهایتاً منشأ آب، بارندگی طبیعی است. (همان / ۱۵۹)

۳. باران در آیات و روایات

دین اسلام، دینی جامع برای ابعاد مختلف زندگی انسان است، از جمله مواردی که در آموزه های دینی به آن توجه شده است؛ تنظیم رابطه هدفمند انسان و طبیعت است. در معارف اسلامی با شیوه های مختلف، مردم به بهره وری صحیح از منابع طبیعی و توسعه و آبادانی ترغیب شده اند. در همین راستا در ابتدای امر با دید طبیعت شناسانه به معرفی منابع طبیعی از جمله باران پرداخته شده است.

اسلام تنها به این سطح بسنده نکرده و نگاه انسان را به افقی بالاتر معطوف داشته اند. در آیات و روایات علاوه بر معرفی علمی و عنصری پدیده ها، با نگاهی الهی به تبیین رابطه ی انسان و پدیده های طبیعی پرداخته است. در نظر داشتن علت فاعلی حوادث، علت غایی بهره مندی از نعمات الهی، چگونگی تأثیر عملکرد انسان بر بهره وری، از این قبیل موارد می باشد. لهذا در این بخش با هدف تبیین باران در آموزه های دینی، به جایگاه باران در قرآن و روایات و احکام فقهی مرتبط با آن می پردازیم.

۳-۱. باران از دیدگاه قرآن

قرآن کریم، باران را آب پر برکت، نعمت الهی، نشانه، رحمت خداوندی و رزق الهی می داند و به زیبایی، مراحل بارش، ذخیره سازی باران در زمین و احیای زمین توسط باران را مطرح ساخته است. در قرآن حدود ۵۰ بار با واژه های مختلف به باران اشاره شده است که به ذکر برخی بسنده می کنیم.



۱-۱-۳. باران مایه حیات

خداوند متعال در آیه ی ۱۶۴ سوره ی بقره می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»

«در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند.»

حقیقت آب باران عبارتست از عناصر مختلفی که در آب دریا و غیره هست و در اثر تابش خورشید بخار گشته و به خاطر حرارتی که به خود گرفته، به آسمان می رود تا جایی که به طبقه ای از هوای سرد برسد. در آن جا مبدل به آب گشته، ذرات آب به یکدیگر متصل و به صورت قطره در می آید. اگر قبل از متصل شدن، یعنی همان موقعی که به صورت پودر بود، یخ نزند و بعد هم به هم متصل شود، به صورت برف سرازیر می گردد و اگر بعد از اتصال پودر و قطره شدن یخ بزند، به صورت تگرگ پایین می آید و پایین آمدن باران و برف و تگرگ به خاطر این است که وزنش از وزن هوا سنگین تر است. بعد از فرود آمدن، زمین از آن مشروب می شود و سبز و خرم می گردد و اگر سرمای هوا نگذارد گیاهی بروید، آب ها در آن قسمت از زمین انبار می شود و به صورت چشمه سارها در آمده و زمین های پایین خود را مشروب می سازد. پس آب نعمتی است که زندگی هر

جنبنده ای به وجود آن بستگی دارد. (رک: طباطبایی/ ۱۳۸۷: ج ۲ / ۳۶۲ - ۳۶۳)



کلمه ی ”ریاح“ جمع ”ریح“ به معنای باد است ولی در قرآن هر جا کلمه ی ”ریح“ آمده، همراه قهر و عذاب است، مانند ”ریح صرصر“؛ «وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (حاقه / ۶)؛ «وَأَمَّا قَوْمٌ «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند «ولی هر جا کلمه ی ”ریاح“ آمده، همراه باران و لطف الهی است.

پس آبی که از آسمان می آید، خود یکی از حوادث وجودی و جاری بر طبق نظام متقن عالم است، نظامی که متقن تر از آن تصور ندارد و یک تناقض و یک مورد استثناء در آن نیست و این آب منشأ پیدایش نباتات و تکون هر نوع حیوان است و این حادث از جهت این که محفوظ است به حوادثی طولی و عرضی که حدوث و پیدایش آن بستگی به آن حوادث دارد در حقیقت با آن حوادث روی هم، یک چیز است که از محدث و پدید آورنده بی نیاز نیست و ممکن نیست بدون علتی پدید آورنده، پدید آمده باشد. پس به طور قطع الهی دارد که یکی است و همین باران از جهت این که پدید آمدن انسان و بقای هستی اش مستند به آن است، دلالت دارد بر این که اله باران و اله انسان یکی است. (طباطبایی / ۱۳۸۷: ۳۶۴)

هم چنین سوره ی عبس از تأثیرات باران در رشد و نمو سخن می گوید: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا» (عبس / ۲۵-۲۹)

«ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، سپس زمین را از هم شکافتیم، و در آن دانه های فراوانی رویانیدیم، و انگور و سبزی بسیار، و زیتون و نخل فراوان»
از جمله آثار توحیدی پروردگار، ریزش قطرات باران است. قطار جهان به موجب سیراب نمودن اراضی و رشد نباتات و درختان و کشتزارها و فوران چشمه سارها می گردد و نیز قسمت زیادی از باران در درون اراضی فرو رفته، ذخیره می شود.

ثم شققنا الارض: در نتیجه فرو باریدن باران، اراضی نرم شده و شکاف ها بر همه ی جوانب آن



وارد می‌شود و بدین وسیله آماده ی روییدن نباتات و هسته ها از درون زمین می‌شود زیرا چنان چه اراضی مرده و محکم در اثر فرو باریدن باران، شکاف‌های ریز به همه ی جوانب آن وارد نشود، حبوبات و هسته ها از هوا و حرارت و تابش اشعه ی خورشید استفاده ننمود، قابل رشد نخواهد بود.

فانبتنا فیها حبا، و عبا و قضا، و زیتونا و نخلا: در نتیجه ی فرو باریدن باران و شکاف‌های ریز که بر سطح زمین پدید می‌آید، هسته ها و درختان از جمله تاک و زیتون و درخت خرما رشد نموده، هم چنین سایر رویدنی ها مانند علف که مصرف چهارپایان می‌شود. (رک: حسینی همدانی/ ۱۴۰۴: ج ۱۷/ ۳۵۹)

و نیز در رابطه با انگیزه ی شکرگزاری در برابر نعمت‌های بزرگ خدا در قسمتی از آیه ۲۲ سوره ی بقره می‌فرماید:

«وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» «و از آسمان آبی فرو فرستاد»

اما چه آبی؟ حیات بخش و زندگی آفرین و مایه ی همه ی آبادی‌ها و شالوده ی همه ی نعمت‌های مادی. جمله ی «و انزل من السماء ماء» بار دیگر این حقیقت را تأکید می‌کند که منظور از «سما» در این جا همان جوّ زمین است زیرا می‌دانیم باران از ابرها و ابرها از تراکم بخارهایی که در جوّ زمین پراکنده اند به وجود می‌آیند. (رک: مکارم شیرازی/ ۱۳۸۲: ج ۱/ ۱۲۱-۱۲۲)

۲-۱-۳. رستاخیز طبیعت نشانی بر رستاخیز قیامت

هم چنین در آیه ی ۵۷ سوره ی اعراف آمده است:

«وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَتِ سَحَابًا ثِقَالًا سَقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.»

«او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد تا ابرهای



سنگین بار را (بر دوش) کشند (سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می‌فرستیم و به وسیله آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می‌کنیم و با آن، از هر گونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم این گونه (که زمین های مرده را زنده کردیم)، مردگان را (نیز در قیامت) زنده می‌کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید»

این آیه در رابطه با آفرینش وسایل زندگی و به وجود آمدن نعمت هاست که زیستن بدون آن ها محال می‌باشد. (رک: قرشی / ۱۳۷۷: ج ۳ / ۴۲۸)

این آیه ربوبیت خدای متعال را از جهت عود بیان می‌کند. کلمه ی ”بشراً“ در اصل بشر به دو ضمه جمع بشیر است و مراد به رحمت در این جا باران است و «بین یدی رحمته» به معنای قبل از فرود آمدن باران است و در این تعبیر استعاره ی تخلیه به کار رفته، به این معنا که باران را به انسانی تشبیه کرده که خانواده و دوستانش انتظار آمدنش را می‌برند و جلوتر از او کسی است که آمدن او را بشارت می‌دهد. (رک: طباطبایی / ۱۳۸۷: ج ۱۵ / ۲۲۱ - ۲۲۲)

در این آیه ی شریفه برای مسئله ی معاد و زنده کردن مردگان، احتجاج به زنده کردن زمین می‌کند، چون به گفته ی دانشمندان «حکم الامثال فی ما یجوز و فی لا یجوز واحد.» چیزهایی که مثل هم هستند-یک ماهیت نوعی دارند-در آن چه برای آن ها جایز است و یا جایز نیست یک حکم داشته، برابرند.

وقتی منکرین معاد احیای زمین را در فصل بهار به چشم خود می‌بینند، باید معاد را هم قبول کنند. معاد، اعاده ی معدوم نست زیرا انسان مرده هم به تمام معنا معدوم نشده تا زنده کردنش اعاده ی معدوم باشد، بلکه جانش زنده و محفوظ است، تنها اجزای بدن است که آن هم از هم پاشیده می‌شود، نه این که معدوم شده باشد. پس مسئله ی معاد و زنده کردن مردگان هیچ فرقی با زنده کردن گیاهان ندارد، تنها فرقی این است که بعث بشر در قیامت بعث کلی و از نباتات، جزئی است.



۴. باران در تمثیل‌های قرآنی

قرآن حق را ماندگار و باطل را از بین رفتنی می‌داند و برای تبیین این سخن به بارانی که در زمین آبی همراه کف جاری می‌کند مثال می‌زند. در این مثال باطل مانند کف روی آب از بین می‌رود و حق همانند آب که در زمین می‌ماند پایدار است:

« أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَحْقَّ وَالْبَاطِلَ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذٰهَبُ جُفَاءً وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ » (عد/ ۱۷)

«خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر درّه و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه (در کوره‌ها،) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می‌آید- خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند!- اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند خداوند اینچنین مثال می‌زند.»

در این آیه شریفه خاطر نشان شده: که حکم این مثل در همه افعال خدا جاری است، همانطور که در گفته هایش جاری است. پس فعل خدا هم مانند گفتارش حق است، و منظورش از گفتار و کردار، خود حق است، چیزی که هست هم در گفتارش و هم در کردارش اموری همراه است که مقصود اصلی نیستند، و سودی هم ندارند، و اتفاقاً این امور چشم‌گیرتر از خود حق است، ولی دوامی ندارد، و بزودی باطل و زایل می‌شود، و تنها حق باقی می‌ماند، که برای مردم سودمند است، مگر آنکه آن حق هم معارض با حقی مهم‌تر و سودمندتر شود، که در این فرض حق مهم‌تر حق کوچک‌تر را باطل می‌کند و این در گفتار خدا نظیر آیه متشابه است، که متضمن معنایی است حق و مقصود بالاصالة، ولی با کلماتی ادا شده که آن کلمات معنای دیگری را به ذهن می‌آورد



معنایی باطل که مقصود بالاصالة نیست، و با مراجعه به آیات محکم قرآن، معنای باطل از بین می‌رود، و آنچه حق است محقق می‌شود: «لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» و این

دو پهلو سخن گفتن قرآن برای آن است که حق را محقق و باطل را زایل سازد.

و کوتاه سخن اینکه آنچه از آیه شریفه استفاده می‌شود این است که معارف حقه الهیه مثل آبی است که خدا از آسمان می‌فرستد و این آب فی نفسه تنها آب است و بس، نه کمیت آن منظور است، و نه کیفیت، و لیکن اختلاف در ظرفیت زمینی است که این آب بر آن می‌بارد، هر زمینی مقداری معین می‌گیرد یکی کمتر و یکی بیشتر، و این اندازه‌ها اموری است که در خود سرزمین است، اصول، معارف، احکام دین و مصالح آن احکام، که در سابق ذکر شد نیز همین طور است، در آنجا گفتیم این مصالح روابطی است که احکام را با معارف حقه مرتبط می‌کند، این حکم خود آن مصالح است، با قطع نظر از بیان لفظی، و اما همین مصالح وقتی به صورت حکم و در قالب لفظ در می‌آید چه بسا همراه با زوائد باشد، که به منزله کف سیل است، و مثل آن کف، ظهور و جلوه‌ای دارد، اما چیزی نمی‌گذرد که از بین می‌رود، و آنچه حاکی از مصالح است باقی می‌ماند.

(طباطبایی/۱۳۸۷: ج ۳/ ۹۵)

۴-۱. بی حاصل بودن انفاق برای غیر خدا

انفاق برای غیر خدا و نشان دادن به مردم، کاری باطل و بی حاصل است که قرآن آن را مانند پاشیدن بذر بر روی سنگی می‌داند که لایه ی نازکی از خاک آن را فرا گرفته باشد و باران شدیدی بر آن باریده، بذر و خاک را بشوید و چیزی بر جای نگذارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ

بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ

مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (بقره/ ۲۶۴)



«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشانده شود) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.»

اما انفاق برای خشنودی خداوند مانند درختی ریشه دار و محکم است که هم از باران‌های تند و هم از باران‌های آرام بهره می‌گیرد و ثمره‌ای دو چندان به بار می‌آورد:

« وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبُورَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (بقره/ ۲۶۵)

«و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره‌گیرد) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»

خدای سبحان انفاق در راه خدا را بطور مطلق مدح کرد، (و فرمود: به دانه‌ای می‌ماند که چنین و چنان شود) سپس بنایش بر این شد که دو قسم انفاق را که نمی‌پسندد و ثوابی بر آن مترتب نمی‌شود استثنا کند، یکی انفاق ریایی که از همان اول باطل انجام می‌شود و یکی هم انفاقی که بعد از انجام آن، به وسیله منت و اذیت اجزش باطل می‌گردد و بطلان این دو قسم انفاق به خاطر همین است که برای خدا و در طلب رضای او انجام نشده و یا اگر شده نفس نتوانسته نیت خود را محکم نگه دارد، در این آیه می‌خواهد حال عده خاصی از انفاق‌گران را بیان کند، که در حقیقت



طائفه سوم هستند و اینان کسانی هستند که نخست برای خاطر خدا انفاق می‌کنند و سپس زمام نفس را در دست می‌گیرند و نمی‌گذارند آن نیت پاک و مؤثرشان دستخوش ناپاکی‌ها گردد و از تاثیر ساقط شود و منت و اذیت و هر منافی دیگر، آن را تباه سازد.

« كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ ... » اصل در ماده (راء- باء- واو) این است که به معنای «زیادی» استعمال شود، و کلمه «ربوه» به کسر و فتح و ضم «راء» هر سه به معنای زمین خوبی است که گیاه در آن بسیار می‌شود و نمو می‌کند، و کلمه «اکل» با ضمه همزه و کاف، به معنای خورده شده از هر چیز است، که واحدش «اکله» بر وزن لقمه است، و کلمه «طل» به معنای باران است و فرقی با کلمه «مطر» این است که مطر به معنای باران معمولی است، و طل به معنای بارانی خفیف‌تر از حد معمول و کم‌اثرتر از آن است.

و غرض از این مثل این است که بفهماند انفاقی که صرفاً لوجه الله و بخاطر خدا است هرگز بی اثر نمی‌ماند، و بطور قطع روزی حسن اثرش نمودار می‌شود، برای اینکه مورد عنایت الهیه است، و از آنجا که جنبه خدایی دارد و متصل به خدا است (مانند خود خدا) باقی و محفوظ است، هر چند که این عنایت بر حسب اختلاف درجات خلوص مختلف می‌شود، و در نتیجه وزن و ارزش اعمال هم به همان جهت مختلف می‌گردد، هم چنان که باغی که در زمین حاصل خیز ایجاد شده، وقتی باران می‌آید بلادرنگ خوردنی‌هایش را به وجهی بهتر تحویل می‌دهد، هر چند که این تحویل دادنش و این خوردنی‌هایش بخاطر اختلاف باران (که یکی مطر است و دیگری طل)، از نظر خوبی درجاتی پیدا می‌کند. و بخاطر وجود همین اختلاف بود که این دنباله را به گفتار خود اضافه نمود، که «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» یعنی خدا به آنچه می‌کنید بینا است، و مساله پاداش دادن به اعمال برایش مشتبه و درهم و برهم نمی‌شود، ثواب این را با آن دیگر و ثواب دیگری را به این نمی‌دهد.



۲-۴. ترس و دلهره منافقان

زندگی منافقان همراه ترس و وحشت است، قرآن آنان را مانند کسانی می داند که در تاریکی گرفتار باران شدید و صاعقه شده، از ترس صاعقه و مرگ انگشتانشان را در گوش نهاده اند:

« أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ » (بقره / ۱۹)

«یا همچون بارانی از آسمان، که در شب تاریک همراه با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذران) بیارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در گوشهای خود می گذارند تا صدای صاعقه را نشنوند. و خداوند به کافران احاطه دارد (و در قبضه قدرت او هستند)»

«أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ» الخ، کلمه “صیب”، بمعنای باران پر پشت است، و معنای کلمه “برق” معروف است، و کلمه “رعد” بمعنای صدایی است که از ابر وقتی برق می زند برمی خیزد، و کلمه صاعقه عبارتست از تکه ای برق آسمان، که بزمین می افتد.

این آیه مثل دومی است که خداوند حال منافقین را با آن مجسم می کند، که اظهار ایمان می کنند، ولی در دل کافرند، باین بیان که ایشان بکسی می مانند، که دچار رگبار توأم با ظلمت شده است، ظلمتی که پیش پایش را نمی بیند، و هیچ چیز را از دیگر چیزها تمیز نمی دهد، ناگزیر شدت رگبار او را وادار بفرار می کند، ولی تاریکی نمی گذارد قدم از قدم بردارد، از سوی دیگر رعد و صاعقه هول انگیز هم از هر سو دچار وحشتش کرده، قرارگاهی نمی یابد، جز اینکه از برق آسمان استفاده کند، اما برق آسمان هم یک لحظه است، دوام و بقاء ندارد، همین که یک قدم برداشت برق خاموش گشته، دوباره در تاریکی فرو می رود.

این حال و روز منافق است، که ایمان را دوست نمیدارد، اما از روی ناچاری بدان تظاهر می کند، چون اگر نکند باصطلاح نانش آجر میشود، ولی چون دلش با زبانش یکسان نیست، و دلش بنور



ایمان روشن نگشته، لذا راه زندگیش آن طور که باید روشن نمیباشد، و معلوم است کسی که میخواهد بچیزی تظاهر کند که ندارد، لا یزال پته اش روی آب می افتد، و همواره دچار خطا و لغزش میشود، یک قدم با مسلمانان و بعنوان یک فرد مسلمان راه می رود، اما خدا رسوایش نموده، دو باره می ایستد. و اگر خدا بخواهد این ایمان ظاهری را هم از او می گیرد، که از همان روز اول رسوا شود، و مسلمانان فرییش را نخورند، (اما خدا چنین چیزی را نخواسته است) (طباطبایی/ ۱۳۸۷: ج ۱ / ۸۸-۸۹)

۵. کارکردهای باران از منظر قرآن

هم چنین در آیات بسیاری به کارکردهای باران در زندگی انسان ها اشاره شده است؛ مجموع کارکردهایی که قرآن در آیات برای باران بیان کرده است، عبارت است از:

۱-۵. تأمین آب آشامیدنی:

« وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ » (حجر / ۲۲)

«ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید.»

«أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ * لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا

فَلَوْ لَا تَشْكُرُونَ » (واقعه / ۶۸-۷۰)

۲-۵. طهارت

« إِذْ يُعْشِيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يُدْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ

الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ » (انفال / ۱۱)

«و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد و



دلہایتان را محکم، و گامہا را با آن استوار دارد!»

یکی از مہبتہای الہی در اوضاع بحرانی جنگ بدر فرستادن باران بود، این آب حیات بخش در گودال های اطراف بدر جمع شد در حالی کہ دشمن چاہ های آب را در اختیار گرفته بود و مسلمانان نیاز شدید برای شستشو و رفع عطش بہ آن داشتند. باران ہمہ این پلیدی ہا را شست و با خود برد. بردن پلیدی موجب شد، دلہای مومنین بہ ہم نزدیک و صمیمیت بہ وجود آید و پایداری و استقامت آنان بیشتر گردد.

۳-۵. حیات زمین:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِذَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقرہ / ۱۶۴)

«در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیہایی کہ در دریا بہ سود مردم در حرکتند، و آبی کہ خداوند از آسمان نازل کردہ، و با آن، زمین را پس از مرگ، زندہ نمودہ، و انواع جنبنندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرہایی کہ میان زمین و آسمان مسخرند، نشانہ هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی کہ عقل دارند و می اندیشند!»

۴-۵. پیدایش درختان و گیاهان و تأمین غذای موجودات:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقرہ / ۲۲)

«آن کس کہ زمین را بستر شما، و آسمان [جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و



از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنا بر این، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده‌اند، و نه شما را روزی می‌دهند).»

۵-۵. سرسبزی طبیعت:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام / ۹۹)

«او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویانیدیم و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم و از آنها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغهایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی شباهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است.»

۶. باران از دیدگاه روایات

در روایات معصومین: نیز مانند قرآن، از ابعاد مختلف به باران، این رحمت الهی پرداخته شده است که در ذیل به گوشه ای از این موارد اشاره می‌شود؛

۶-۱. نحوه بارش باران و نقش آن در ایجاد رستاخیز طبیعت

در برخی از روایات به مراحل تشکیل باران و چگونگی بارش اشاره شده است و با پرداختن به ثمرات این بارش برای طبیعت، انسان‌ها را به اندیشه فرا می‌خواند.

امام عسگری (علیه السلام): «و ما أنزل الله من السماء من ماءٍ وإبلاً و هطلاً و رذاذاً لا يُنزلُ عليكم دفعةً واحدةً- فيغرقكم و هلكَ معاشكم لكنه يُنزلُ متفرقاً من علا- حتى يُعمَّ الأوهاد و التلال و



القلاع» (مجلسی / ۱۴۰۳: ج ۲ / ۵۴)؛ «خداوند باران را از آسمان نازل می کند تا به همه ی قله ها، کوه ها و تمام نقاط مرتفع و هموار برسد و آن را دانه دانه و نرم و پی در پی قرار داد تا کاملاً در زمین فرو رود و سیراب گردد و آن را به صورت سیلابی نفرستاد تا زمین ها و مزارع و درختان را ویران کند.»

در این روایت آسمان منشأ باران دانسته شده است.

امام علی (علیه السلام) در کلامی می فرماید: «و بین زمین و جو فاصله افکند و وزش بادها را برای ساکنان آن آماده ساخت. تمام نیازمندی ها و وسایل زندگی را برای اهل زمین استخراج و مهیا فرمود. آن گاه هیچ بلندی از بلندی های زمین را که آب چشمه ها و نهرها به آن راه ندارد و نگذاشت بلکه ابرهایی آفرید تا قسمت های مرده ی آن احیا شود و گیاهان رنگارنگ برویند. قطعات بزرگ و پراکنده ابرها را به هم پیوست تا سخت به حرکت در آمدند و با به هم خوردن ابرها، برق ها درخشیدن گرفت و از درخشندگی ابرهای سفید کوه پیکر و متراکم چیزی کاسته نشد. ابرها را پی در پی فرستاد تا زمین را احاطه کردند و بادها شیر باران را از ابرها دوشیدند و به شدت به زمین فرو ریختند، ابرها پایین آمده، سینه بر زمین ساییدند و آن چه بر پشت داشتند فرو ریختند که در بخش های بی گیاه زمین، انواع گیاهان رویدن گرفت و در دامن کوه ها، سبزه ها پدید آمد.» (دستی / ۱۳۸۷: خ ۹۱ / ۱۱۹)

در این روایت نیز با تشبیهی بسیار زیبا به مراحل تشکیل باران و نحوه نزول آن تا رسیدن به زمین اشاره شده است.

۲-۶. سرمایه بودن باران

قال الصادق (علیه السلام): «و اعلم یا مفضل ان رأس معاش الانسان و حیاتهِ الخبزُ و الماء... فان حاجة الانسان الى الماء اشدُّ من حاجته الى الخبزِ و ذلك ان صبره على الجوع اكثرُ من صبره على



العطش» (مفضل / بی تا / ۸۷)

«امام صادق (علیه السلام): بدان ای مفضل که رأس معاش انسان و حیات او نان و آب است... همانا نیاز انسان به آب شدیدتر از نیازش به نان است، به همین جهت صبر او بر گرسنگی بیش از صبرش بر تشنگی است.»

در این روایات، آب مایه ی حیات و محور اصلی معاش انسان دانسته شده است.

۳-۶. تضمین سلامتی با تداوم باران

امام صادق (علیه السلام): در حدیثی خطاب به مفضل، به تفصیل از باران و نقش آن در زندگی بشر سخن گفته و از آن جمله فرموده اند: ای مفضل، درباره ی هوای صاف و باران اندیشه کن که چگونه هر کدام در پی یکدیگر بر این عالم پدید می آیند و اگر یکی از آن دو مداوم وجود داشتند، فساد عالم را در پی داشت. آیا نمی بینی که اگر باران ها مداوم و پی در پی نازل می شدند، گیاهان متعفن شده و بدن حیوانات زنده دچار رخوت و سستی می شدند و هوا سرد می شد و این خود باعث ایجاد انواعی از امراض می شد و راه ها دچار فساد می شدند و بر عکس اگر بارش نبوده و هوای صاف مداوم بود، زمین خشکیده و گیاهان می سوختند و آب چشمه ها کم شده و ضرر فراوانی به مردم وارد می شد و هوا نیز دچار خشکی شده و انواع دیگری از امراض ایجاد می شد، ولی وقتی این دو در پی یکدیگر ایجاد می شوند، هوا معتدل شده و هر یک مشکلات دیگری را خنثی می کند. (آرام / ۱۳۸۰: ج ۵ / ۴۱۹)

۴-۶. رابطه ی نزول برکات (باران) و انسان کامل

علاوه بر آن چه تاکنون در باب باران از دیدگاه روایات گذشت، مفاهیم بسیار دیگری از حضرات معصومین (علیهم السلام): با محوریت باران به ما رسیده است، از جمله آثار مادی و معنوی باران و عوامل و موانع بهره وری از این برکت آسمانی که در ادامه به آن خواهیم پرداخت لکن با دقت در



و ضمیر "کم" و در این جملات می تواند جایگاه خاصی داشته باشد. مرحوم مجلسی جمله ی کوتاهی در این عبارات آورده که برای فهم آن راه گشایی دارد. گوید: «و الباءُ تحتل السببیه و الصّله.» «حرف باء» در این فقرات احتمال دارد برای سببیت باشد و احتمال دارد صله و زائده و به منظور پیوند فعل به مفعول دوم آمده باشد. در این جملات مفعول اول ذکر نشده و باید آن را در تقدیر بگیریم. اگر "باء" به معنی سببیت باشد این جملات چنین معنا می شود: خداوند به واسطه ی شما، به سبب شما... و اگر صله و زائده باشد و برای پیوند فعل به مفعول -ابن هشام ادیب معروف آن را دومین مورد از موارد شش گانه ی زیاد شدن "با" شمرده- معنی چنین می شود: خداوند به شما...

بر اساس معنای اول باید مفعول را در تقدیر بگیریم. حذف مفعول معمولاً بیانگر عموم می باشد، فکر آدمی تا هر کجا توان طیران دارد پرواز نماید و در هر میدانی که اندیشه و ذهن قدرت جولان دارد به تک و تاز درآید و هر چه مناسب است در این جملات در نظر بگیرد و خسته شود و برگردد و بداند راه به جایی نبرده و نتواند که برد. (بحرینی/ ۱۳۸۲: ۶۹۱-۶۹۲)

این هشت قسمت بیان این است که حادثات و واقعات کارگاه آفرینش و صعود و نزول فرمان خدا و آثار متفرع بر آن ها و آن چه پیغمبران به وسیله ی فرشتگان فرا گرفته اند، همه و همه را الله سبحانه در اختیار حضرات معصومین (علیهم السلام) گذاشته است. (رک: هدائی/ ۱۳۶۶؛ آقائی/ ۱۳۶۶: ۲۷۷ و ۲۷۸)

...به سبب وجود شما ائمه (علیهم السلام) یا به سبب دعای شما، از آسمان باران می بارد. این مضمون در روایات و اخبار نیز آمده است. (شیر/ ۱۳۶۷: ۱۷۷)



۷. آثار باران در اندیشه اسلامی

۷-۱. آثار مادی باران

باران از جمله نزولات آسمانی است که سبب برکات مادی و معنوی بسیاری می‌گردد. آثار مادی آن شامل همه کسانی است که با توجه به اصول علمی یا تجربی به بهره‌وری از باران می‌پردازند، و آثار معنوی آن نیز شامل همه مردم و بیش از همه کسانی که اهل تفکر و تدبر در آیات الهی باشند می‌گردد.

چرخه باران در طبیعت، آثار مادی فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۷-۱-۱. تولید غذا

از آن‌جا که تا جسم، توانا و سالم نباشد، روح و عقل و فکر نمی‌تواند به درستی ترقی و پیشرفت نماید و از طرفی هم ترقی هر انسانی به وسیله عقل و فکر او می‌باشد، باید دانست که سلامت بدن سهم به‌سزایی در عظمت انسان از نظر جنبه‌های علمی دارد. بنابراین در اسلام به سلامت جسم و به دنبال آن تغذیه سالم توجه ویژه‌ای شده است.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: « وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ » (ذاریات / ۲۲)

«و رزق شما و آن‌چه به آن وعده داده می‌شوید، در آسمان است.»

علامه طباطبایی در ذیل این آیه آورده‌اند که «مراد از رزق، باران است که خدای تعالی آن را از آسمان یعنی از جهت بالای سر ما بر زمین نازل می‌کند و به وسیله آن انواع گیاهانی که در مصرف غذا و لباس و سایر انتفاعات ما مصرف می‌شود بیرون می‌آورد.» (طباطبایی / ۱۳۷۸: ج ۱۸ / ۵۶۲)

۷-۱-۲. انبساط روحی

یکی از مهم‌ترین آثار باران این است که علاوه بر تولید گل‌ها و گیاهان، سبب انبساط و شادی



روح انسان و تقویت سلامت روانی فرد می شود. زمینی که آثار حیات از او رخت بر بسته بود و چهره ای زشت و تیره داشت، با نزول قطرات حیات بخش باران به وسیله ی گیاهان سرسبز در پرتوی نزول باران زنده می شود.

رنگ سبز نشان گر طراوت و زندگی می باشد چرا که طبیعت با این رنگ، لباس حیات به تن می کند. خداوند متعال این شگفتی را به صورت زیبا ترسیم کرده و می فرماید:

« فَأَخْرَجْنَا بِهِنَّ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ » (انعام / ۹۹)

«گیاهان گوناگون روپاندم و از آن، ساقه ها و شاخه های سبز، خارج ساختیم و از آنها دانه های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه هایی با رشته های باریک بیرون فرستادیم.»

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: ما به وسیله آن ساقه های سبز گیاهان و نباتات را از زمین خارج ساختیم و از دانه کوچک و خشک، ساقه ای با طراوت و سرسبز که لطافت آن چشم را خیره می کند آفریدیم: (رک: ناصر، مکارم شیرازی / ۱۳۸۲: ج ۵ / ۳۷۰)؛ رنگ سبز طبیعت علامت بهار، جوانی، رشد و نمو می باشد و آب نیز مایه ی حیات است و عامل اصلی این طراوت است.

به طوری که امام کاظم (علیه السلام) در این رابطه فرمودند: «ثَلَاثَةٌ يَجْلِبِنُ الْبَصَرَ: النَّظْرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ وَ

النَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ» (مجلسی / ۱۴۰۳: ج ۶۲ / ۱۴۴)

سه چیز دیده را روشنی می بخشد: نگاه به سبزه، نگاه به آب جاری و نگاه به صورت زیبا.

بنابراین باران علاوه بر آثار جسمی، موجب انبساط روحی هم می شود و این شادابی و نشاط در نهایت منجر به سلامتی می شود.

۳-۱-۷. رشد زراعت و دامداری

امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۱۵ از نهج البلاغه در دعای طلب باران چنین می فرماید:



«اللَّهُمَّ سَقِيَا مَنْكَ تُعَشِّبُ بِهَا نِجَادُنَا وَ تَجْرِي بِهَا وَهَادُنَا وَ يُخَصِّبُ بِهَا جَنَابُنَا وَ تُقْبِلُ بِهَا تِمَارُنَا وَ

تَعِيشُ بِهَا مَوَاشِينَا وَ تَنْدِي بِهَا أَقَاصِينَا وَ تَسْتَعِينُ بِهَا ضَوَاحِينَا...» (دستی / ۱۳۸۷: ۱۵۶)

«خدایا! بارانی بده که بسیار بیارد تا زمین های بلند ما پر گیاه شود و در زمین های پست ما روان گردد و نعمت های فراوان در اطراف ما گسترش یابد تا با آن ها میوه های ما بسیار، گله های ما زنده و فراوان و سرزمین های دورتر ما نیز بهره مند گردند و روستاهای ما از آن نیرومند شوند.»

۲-۷. آثار معنوی باران

بسیاری از آیات قرآن کریم، انسان را به مطالعه در اسرار طبیعت و نظم محیر العقول جهان، تفکر در آفرینش آسمان ها، زمین، کوه ها، دریاها و حیوانات و... دعوت می کند و این خود یکی از راه های نیل به توحید خداست، راهی که انسان عاقل و منصف را موحد می کند، مثلاً می فرماید:

«وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ.» (هود / ۷)

باران (از مراحل شکل گیری، آثار و...) از جمله پدیده های طبیعت است که تفکر پیرامون آن از راه های آفاقی شناخت خداوند محسوب می شود. از دقت و تأمل در مراحل شکل گیری و نظم حاکم بر آن به توحید الهی پی می بریم، ثمره ی باران و تأثیر آن بر رستاخیز طبیعت، انسان را متوجه معاد می سازد.

این آثار معنوی به مراتب قابل توجه تر از فواید مادی باران است و تعالی روحی و معنوی انسان را در پی دارد. در ادامه به برخی از آثار معنوی باران اشاره می کنیم.

۱-۲-۷. اعتقاد به توحید

سنگ زیر بنای نظام عقیدتی اسلام بر پایه ی اعتقاد به پروردگار متعال بنا شده است. مطالعه ی برخی از آیات می تواند بیان گر آن باشد که چگونه قرآن کریم توجه خواننده را به مفهوم باران در ارتباط با پرورش ایمان به ذات خداوند جلب کرده و این عقیده را به نیرویی حیاتی در الگوی افکار



وی تبدیل می‌سازد. خداوند در آیه ۲۲ سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

«آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنا بر این، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده‌اند، و نه شما را روزی می‌دهند.»

این آیه شریفه نگاه و توجه مخاطب را به علت فاعلی و آفریننده باران معطوف می‌دارد و خواننده را متوجه می‌کند؛ که آثار حیات بخش باران نتیجه قدرت و حکمت خداوندی یگانه است.

۲-۲-۷. اعتقاد به نبوت

دومین عقیده ی مبنایی در اسلام، اعتقاد راسخ به پیامبری حضرت محمد است که پایه گذار فرهنگ اسلامی و جامعه ی مسلمانان می‌باشد. قرآن کریم پیامبر خدا را به پدیده های حاصل از باران تشبیه کرده است که محصول ایمان می‌پرورد. قرآن مجید در این باره در آیه ۲۹ سوره فتح فرموده است:

«مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله و سلم) رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا.»

محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و



شدید، و در میان خود مهربانند پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است)

در آیه فوق الذکر اعتقاد به نبوت برای جامعه همانند بارانی دانسته شده است که موجب تقویت روحی و معنوی مؤمنین می گردد.

۳-۲-۷. اعتقاد به معاد

سومین عقیده ی اساسی در اسلام، مفهوم حیات جاودان یا زندگی پس از مرگ است. در این باره قرآن اعلام می دارد که:

«وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حج/ ۵ - ۶)

«زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم، به حرکت درمی آید و می روید و از هر نوع گیاهان زیبا می رویاند! این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است و اوست که مردگان را زنده می کند و بر هر چیزی تواناست.»

خداوند متعال هم چنین در آیه ی ۵۰ سوره ی روم می فرماید:

«فَأَنْظِرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»



به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند چنین کسی (که زمین مرده را زنده کرد) زنده کننده مردگان (در قیامت) است و او بر همه چیز تواناست!

قرآن کریم با جلب نظر مؤمنین به رستاخیز طبیعت و نشاط دوباره آن بعد از خزان و خشکی، آنان را متوجه امکان تحقق معاد می سازد.

۴-۲-۷. توصیه به تفکر

علاوه بر آیات مذکور که عقاید اساسی اسلام را در مورد باران آورده است، در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آن ها به مؤمنین سفارش شده پدیده های مختلف طبیعی را به چشم بصیرت بنگرند. قرآن کریم در آیه ی ۱۹۱ سوره ی مبارکه ی آل عمران می فرماید:

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا

خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

«همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند (و می گویند): بار الهی! اینها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار.»

در آیات متعددی نظیر آن چه ذکر شد، از انسان خواسته شده است که پدیده های مرتبط با فرآیند باران را مورد مشاهده ی دقیق قرار دهد و در آن عمیقاً به تفکر بپردازد. قرآن کریم می فرماید که با بررسی این پدیده های مادی و دنیوی، انسان می تواند به قدرت خداوند متعال پی ببرد و هر گونه انحراف از این خداجویی منجر به ضلالت و گمراهی محض خواهد شد.

توأم ساختن ملاحظات مادی با نگرش های معنوی موجب خواهد شد که باران به طریقتی در جهت عشق، ستایش و عبودیت پروردگار متعال تبدیل شود. این رویکرد و نگاه می باید در روح انسان به بار بنشیند تا به این طریق اعتقاد به مفاهیم اصلی اسلام را در ضمیر انسان بپرورد. الهام



گرفتن از چنین دیدگاه هایی موجب می شود که مردم با توجه به جنبه های معنوی باران، به روحیه ای از نشاط و سرزندگی دست یابند، به طوری که از تکنولوژی بهره وری از باران و فعالیت در این حرفه عمیقاً احساس رضایت کنند.

«از این رو آرامش، شکوفایی و رونق اقتصادی تنها هدف مورد نظر اسلام نیست، بلکه در حقیقت در حکم وسیله ای برای رشد و تعالی معنوی جامعه ی اسلامی است، زیرا اسلام فعالیت های انسان را به تکاپوی آب و نان محدود نکرده و به عنوان مانعی در سر راه تشخیص و تعقیب اهداف معنوی و روحانی قرار نداده است.» (رک: مظفر / ۱۳۸۰ : ۱۰۴)



نتیجه بحث

باران، این پدیده ی آسمانی، در صورتی که به درستی مورد شناسایی قرار گیرد، می تواند منشأ بسیاری از برکات مادی و معنوی باشد.

* باران به عنوان منبع اصلی تأمین آب های جاری و زیرزمینی در زندگی انسان نقش قابل توجهی دارد و بارش به موقع و به اندازه ی آن، ثمرات مادی فراوانی را به همراه دارد. از آن جمله می توان به تولید غذا، انبساط و سلامت روحی، رونق اقتصادی، رشد زراعت و دامداری و... اشاره کرد. این پدیده ی جوّی در صورتی که با جهان بینی الهی مورد کاوش قرار گیرد و در تبیین آن به علت فاعلی و غایی نیز توجه شود، آثار روحی و معنوی شگرفی بر انسان ها خواهد داشت و خود به عنوان راهی آفاقی برای شناخت خداوند راه گشایی خواهد کرد. از جمله آثار معنوی باران،



اعتقاد به توحید، نبوت، معاد و دعوت به تفکر در آفرینش است.

در قرآن کریم پنجاه بار واژه های هم معنای باران آمده است که در ضمن این آیات به کارکردهای مادی و معنوی باران اشاره شده است.

در روایات معصومین نیز علاوه بر تبیین نحوه ی بارش باران و تشکیل آن به خواص آب باران، اهمیت آن در معاش و ضرورت استغاثه و طلب باران از درگاه الهی و... پرداخته شده است.

تأثیرات رفتار انسان بر نزولات آسمانی، از برکات مادی و معنوی آن بهره ی بیش تری برد و به سعادت دنیوی و اخروی رسید.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵.
۲. بحرینی، سید مجتبی، جامعه در حرم (نگرشی بر زیارت جامعه کبیره)، بی جا، منیر، ۱۳۸۲.
۳. بیرودیان، نادر، برف و بهمن، مدیریت مناطق برف گیر، مشهد، دانشگاه امام رضا، ۱۳۸۲.
۴. حبیبی نوخندان، محمد، تغییر اقلیم و گرم شدن کره زمین، مشهد، محقق، ۱۳۸۹.
۵. حسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، محب الدین ابی فیض السید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴.
۶. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴.
۷. دشتی، محمد ترجمه ی نهج البلاغه، مشهد، عروج اندیشه، ۱۳۸۷.
۸. دهخدا، علی اکبر، نعت نامه دهخدا، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، بی تا.



۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه ی محمد داوودی، بیروت، دار القلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
۱۰. شبر، سید عبدالله، با اختران تابناک ولایت، الانوار اللامعه، ترجمه ی عباسعلی سلطانی گلشیخی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ی سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دار العلم، ۱۳۷۸.
۱۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ترجمه ی مرتضی آخوندی، تهران، دار الکتب اسلامی، چاپ ۵، ۱۳۶۷.
۱۳.، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۱۴. کاویانی، محمدرضا، بهلول، علیجانی، مبانی آب و هوا شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۸۲.
۱۵. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۴.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنیاد ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۸. مظفر، حسین، ترویج کشاورزی در بستر فرهنگ اسلامی، ترجمه ی محمود حسینی، زنجان، نشر علمی و فرهنگی کتیبه، ۱۳۸۰.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، بی نا، ۱۳۸۲.
۲۰. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۲.
۲۱.، پرتوی ولایت (در شرح زیارت جامعه کبیره)، محمد وفائی، قم، بی نا.
۲۲. هدائی، ابوتراب، نجوم لامعه شرح زیارت جامعه، مشهد، حسن وهاب آقائی، ۱۳۶۶.

